

## سیمای عدل و اعتدال در گستره آیات الهی

شاهرخ محمدبیگی\*  
عباس اناری نژاد\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۴  
تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۲/۲۵

چکیده:

هدف از این مقاله بررسی حافظان حدود الهی است که در ردیف مؤمنان واقعی و برگزیده محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر آفرینش نظام هستی و در رأس آن انسان «خلیفه‌الله» در نیکوترین حالت ممکن از نظر اعتدال است؛ توزیع نعمت‌های الهی در زمین و عدم افراط و تفریط در بهره‌مندی از این نعمت‌ها شکل دیگری از اعتدال است که مسلمانان به آن سفارش شده‌اند؛ انسان‌ها در اجرای احکام و دستورات الهی به قدر توان و در حد اعتدال، مکلف و موظف هستند؛ اصل عدل و اعتدال سرلوحه انجام امور خانه و خانواده قرار دارد؛ نظام اقتصادی فرد و جامعه جز در سایه رعایت عدالت و میانه‌روی سامان نمی‌یابد؛ رعایت قوانین و حقوق انسان‌ها در جامعه در گرو استقرار نظام عادلانه اجتماعی است که زیربنای جامعه سالم انسانی به‌شمار می‌رود؛ و بالاخره معاد و روز رستاخیز به عنوان دادگاهی عادل به حاکمیت و داوری خداوند در حسابرسی به اعمال نیک و بد بندگان، مصداق بارز و مظهری کامل از عدالت به تمامی معناست.

**واژگان کلیدی:** قرآن، اعتدال، عدل، امت، آفرینش، نعمت، احکام، خانواده، اقتصاد، حقوق، معاد.

امت میانه و الگو، اعتدال و آفرینش، اعتدال و نعمت‌های الهی، اعتدال و احکام، اعتدال و خانواده، اعتدال و اقتصاد، اعتدال و حقوق، اعتدال و معاد.

اعتدال عبارت است از: حد وسط میان افراط و تفریط در مسیر مستقیم که از بزرگترین فضائل انسانی به‌شمار می‌رود و مختص انسان کامل است، همان‌گونه که اراده خداوند سبحان نیز بر صراط مستقیم و حد اعتدال است. چنانچه می‌فرماید: «ما من دابّه الا هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم» (هود، ۵۶). «هیچ جنبه‌ای نیست مگر آنکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد. برآستی پروردگار من به راه مستقیم است».

### امت میانه و الگو

قرآن کریم در آیه ۱۴۳ سوره بقره (۲) امت اسلامی را امتی میانه و معتدل معرفی می‌فرماید: وکذلک جعلناکم امّه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً. «و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد».

و چون اعتدال حد وسط میان افراط و تفریط است، اگر از نقطه عبودیت تا مقام قرب ربوبیت تمثیل حسی کنیم و بر خط مستقیم وصل شود، پس طریق سیر انسان کامل، خط مستقیم و سیر معتدل است. چنانچه صراط مستقیم - که انسان در نماز طالب آن است - همین سیر اعتدالی می‌باشد. «و از رسول خدا (ص) منقول است که خط مستقیمی در وسط و خط‌های دیگری در اطراف آن کشیدند و فرمودند: این خط وسط، خط من است» (امام خمینی، ۲۵: ۱۳۷۸).

در این آیه مسلمانان به عنوان امتی میانه که از هر نظر در حد اعتدال در میان افراط و تفریط هستند، الگویی برای دیگر مردمان توصیف شده‌اند. همچنان که پیامبر اکرم (ص) و نیز ائمه معصومین علیهم‌السلام به دلیل رعایت اعتدال در جنبه‌های مختلف زندگی مادی و معنوی خویش به عنوان الگو و نمونه برای مسلمانان معرفی شده‌اند، یک مسلمان واقعی نیز نباید تک‌بعدی باشد که تنها به یکی از جنبه‌های ماده یا معنی نظر کند؛ بلکه با برخورداری از تعالیم و معارف اسلامی در عین اجتماعی بودن و توجه به جهان مادی، جنبه‌های روحانی و معنوی خود را حفظ کند و هر دو را مکمل یکدیگر قرار دهد؛ به عبارت دیگر مسلمان واقعی انسانی است همه‌جانبه و در عین حال اهل معنویت و بندگی خدا و اهل فعالیت و زندگی و معاشرت. وی معتقد است که علم و دین، دنیا و آخرت و ماده و معنا همه در حدود صحیح با هم سازگارند و در میان آنها هیچ‌گونه تضادی نیست.

مسئله عدل مانند مسئله توحید در تمام اصول و فروع دین اسلام ریشه دوانده است، یعنی همان‌طور که هیچ یک از مسائل عقیده‌ای و عملی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و حقوقی از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست، همچنین هیچ یک از آنها را خالی از روح عدل نخواهیم یافت و به همین دلیل در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت تکیه نشده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بالعدل قامت السموات و الارض» «آسمان‌ها و زمین براساس عدل استوارند». (حسینی، ۱۳۶۴، ج ۱۲: ۴۰۲) این تعبیر رساترین تعبیر درباره عدالت تلقی می‌شود، یعنی نه تنها زندگی محدود بشر در این کره خاکی بدون عدالت برپا نمی‌شود؛ بلکه سراسر جهان هستی و آسمان و زمین همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و قرارگرفتن هر چیزی در مورد مناسب خود برقرار هستند و اگر لحظه‌ای از این اصول منحرف شوند رو به نیستی خواهند گذارد.

در کتاب الهی به دفعات از افراد اعتدال‌گر و میانه‌رو به عنوان بندگان خالص و واقعی خداوند یاد شده است، همان‌انهایی که حافظان حدود و احکام الهی نیز خوانده شده‌اند.

در این مقاله تلاش کردیم با تفکر در آیات کلام‌الله مجید و بهره‌گیری از معانی آنها مباحثی را که به مسئله عدل و اعتدال پرداخته است، در چندین مقوله با عناوین زیر دسته‌بندی و ارائه شود:

«و عباده الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً». (فرقان/ ۶۳) «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً». (فرقان/ ۶۷) «و بندگان (خاص) خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ گویند». «و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو روش، حد وسط را



برمی‌گزینند».

می‌نمایند؛ آنان که خود وارثانند؛ همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند».

در آیه دیگری از قرآن حفظ حدود الهی به عنوان مهمترین وظیفه اجتماعی قلمداد شده و حافظان حدود و احکام الهی در زمره کسانی آمده‌اند که در معامله با خداوند سربلند و پیروز شده‌اند، کسانی که در همه ابعاد، حد و مرزها را رعایت کرده و از جاده مستقیم حق به افراط و تفریط میل نکرده‌اند. همان‌طور که جهادگران در راه خدا، توبه‌کنندگان، خداپرستان، شکرگزاران، روزه‌داران، نمازگزاران، آمرین به معروف و نهی‌کنندگان از منکر این چنین معرفی شده‌اند و همگی را به بهشت بشارت داده‌اند.

اعتدال و آفرینش  
ذات باری تعالی که بخشنده و مهربان و با حکمت مطلق و فیاض است، نظام تکوین را بر محور اعتدال انشاء کرده است. به این معنا که استحقاق‌های یک موجود برای دریافت وجود یا کمالات وجود را به او عطا فرموده و همه ذات هستی را در بهره‌مندی از این افاضه خداوندی یکسان و برابر قرار داده است. قرآن کریم در آیه ۵۰ سوره طه (۲۰) از زبان حضرت موسی (ع) اینطور نقل می‌کند: «قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی» (طه، ۲۰) «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقی که در خور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.»

«التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و التاهون عن المنکر و الحافظون لحدودالله و بشئرا المؤمنین» (توبه، ۱۱۲) (آن مؤمنان) همان توبه‌کنندگان، پرستش‌کنندگان، سپاس‌گزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، واداران به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند، و مؤمنان را بشارت‌ده.

و در مورد خلقت انسان می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» (تین، ۴) «براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم». تقویم به معنی درآوردن چیزی به صورت مناسب و نظام معتدل و کیفیت شایسته است و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته‌آفریده، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و عقلی.

«تلك حدودالله و من یطع الله و رسوله یدخله جنّات» (نساء، ۱۳) همانا خداوند کسانی که حدود و احکام الهی را رعایت می‌کنند و در این زمینه افراط و تفریط نمی‌ورزند کسانی می‌داند که مطیع امر خدا و رسول او هستند و سرانجامشان بهشت جاوید است.

علامه ابی‌السعود در ذیل آیه فوق می‌نویسد: ما او را در بهترین تقویم و تعدیلی که یک موجود می‌تواند داشته باشد هم از نظر صورت و هم از نظر معنا آفریدیم؛ راست بالا با اندام معتدل و اعضاء متناسب بدون کژی و کاستی و با صفات و نیروهای لازم از حیات و علم و قدرت و اراده و گویایی و بینایی و شنوایی و غیر آنها از نمونه‌های اوصاف پروردگار (شریعتی، بی تا: ۲۴۱).

و قرآن چه نیکو وصف می‌کند، مؤمنانی را که با خارج نشدن از مسیر اعتدال به رستگاری دست می‌یابند: «قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلاتهم خاشعون، و الذین هم عن اللغو معرضون، و الذین هم للزکوة فعلون، و الذین هم لفروجهم حفظون، الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمنهم فانهم غیر ملومین، فمن ابتغى وراء ذلک فاولئک هم العادون، و الذین هم لامنتهم و عهدهم راعون، و الذین هم علی صلواتهم یحافظون، اولئک هم الورثون، الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون». (مؤمنون، ۱-۱۱) «براستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند؛ و آنان که از بیهوده رویگردانند؛ و آنان که زکات می‌پردازند؛ و کسانی که پاکدامند، مگر در مورد همسرانشان و کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست؛ پس هر که را فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگانند؛ و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند؛ و آنان که بر نمازهایشان مواظبت

حاجی سبزواری در کتاب اسرار الحکم در خصوص روایت معروف «ان الله خلق آدم علی صورته یا علی صورة الرحمن» می‌گوید: معنی فرمایش پیامبر که خداوند آدم را بر صورت خود یا بر صورت رحمان آفریده این است که آدم مظهر همه صفات خداوند است؛ زیرا صورت پروردگار همان صفات جمال و جلال اوست (همان).

قرآن کریم ضمن معرفی انسان به عنوان بزرگترین و شریف‌ترین موجودات جهان از مجرد و مادی و محسوس و غیرمحسوس وی را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد که: ای



بهره جستن از انواع نعمت‌های بی‌شمار خویش سفارش فرموده است: «كلوا من طیبات ما رزقناکم و لا تطغوا فیه» (طه، ۸۱) از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید و (لی) در آن زیاده‌روی نکنید.

«یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم و لاتعتدوا ان الله یحب المعتدین. و کلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً واتقوا الله الذی انتم به مومنون» (مائده، ۸۷-۸۸).

«ای مؤمنان حرام مکنید لذا باید آنچه خدا حلال ساخته است شما را و ستم نکنید که خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد. و بخورید آنچه روزی داده است شما را خدا حلال و پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما به وی ایمان آوردید.»

خداوند در آیات فوق ضمن سفارش بندگان به استفاده مشروع از مواهب الهی و لذا باید دنیوی، آنها را به رعایت اعتدال و تقوا در این مسیر دعوت می‌نماید و تأکید می‌کند که از حد آن فراتر نروید، همچنان که در بحث عدم تحریم مباحات و طیبات، تقوا ایجاب می‌کند که انسان از حد اعتدال در هیچ طرف خارج نشود.

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر آشکار می‌شود که روش اسلام را در مورد بهره‌برداری از خوراکی‌ها با سایر اقوام و ادیان مقایسه می‌کنیم. اسلام در این خصوص مانند سایر دستوراتش روشی کاملاً اعتدالی در پیش گرفته است، یعنی نه همانند مردم زمان جاهلیت که از گوشت سوسمار و مردار و امثال آن می‌خوردند و یا مانند بسیاری از ملل امروز که حتی از خوردن گوشت لاک‌پشت، گربه و .. چشم‌پوشی نمی‌کنند و نه مانند هندوها که مطلقاً گوشت را ممنوع می‌دانند؛ بلکه گوشت حیواناتی را که تغذیه پاک دارند و مورد تنفر نباشند حلال کرده و روی روش‌های افراطی و تفریطی خطا بطلان کشیده است (اشاره به مائده، ۳-۴).

استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از مواهب زندگی از جمله پوشش و تغذیه صحیح و همچنین راه تجمل‌پرستی و اسراف و تبذیر را در پیش نگرفتن موضوع بسیاری از آیات قرآن است (انعام، ۶ و اعراف، ۳۱).

در این آیات اسراف - که به معنای تجاوز از حد اعتدال است - به شدت نهی شده و کسانی که راه طغیان و تجاوز از حد اعتدال را برمی‌گزینند به دور از لطف و محبت الهی و حتی از برادران شباطین خوانده شده‌اند. چون شیطان از استعداد و توان

موجود عاقل و عالمی که از لحاظ جسمی و اندام و اعضا، زیبا و راست بلایی و هم از جهت نیروهای باطنی در احسن تقویم و کامل‌ترین ساختمان هستی، آفریدگار تو را وجود بخشیده، تسویه و تعدیل کرده است. آن خدایی که آفریدت و راست، هموار و کامل گردانیدت، پس اندام و اعضایت را هماهنگ و متناسب و جور ساخت: «الذی خلقک فسوّک فعدلک» (انفطار، ۸) «همان کس که تو را آفرید و (اندام) تو را درست کرد و (آنگاه) تو را سامان بخشید».

البته برخی تفاوت‌ها از جمله جنسیت زن و مرد نیز طبیعی و لازمه آفرینش است، یعنی یک جامعه اگر هم از عدالت اجتماعی کامل برخوردار باشد، تمام افرادش یک شکل و یک جور نخواهند بود و عدالت نیز به معنای هر چیزی در محل و جای مناسب خود قرار گرفتن است؛ به طوری که مواهب الهی و استعداد‌های جسمی و روحی انسان‌ها آن چنان تقسیم شده که هر کسی قسمتی از آن را دارد (نساء، ۳۲).

### اعتدال و نعمت‌های الهی

رزاق عالم در توزیع نعمات و برکات خویش بر روی زمین و مقرر داشتن روزی برای بندگان حد تناسب و تعادل را در نظر می‌گیرد (فصلت، ۱۰)؛ چرا که می‌فرماید: «و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض و لکن ینزل بقدر مایشاء انه بعباده خبیر بصیر» (شوری، ۲۷).

«و اگر خدا روزی را بر بندگان فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان بر می‌دارند، لکن آنچه را بخواهد به اندازه‌ای (که مصلحت است) فرو می‌فرستد. برآستی که او به (حال) بندگان آگاه و بیناست».

در این آیه کلمه «قدر» در مقابل کلمه «بسط» است که اولی به معنای تنگ گرفتن رزق و دومی به معنای وسعت دادن به آن است که معنای اعتدال و حد وسط از آن مستفاد می‌شود. بنابراین خدای تعالی رزق را به اندازه نازل می‌کند، یعنی او پیمانه و ظرفیت وجودی هر کس را می‌داند و طبق مصلحت او روزی می‌دهد و می‌داند هر یک از بندگان استحقاق چه مقدار از رزق را دارد و چه مقدار از غنا و فقر به حال او مفید است.

خداوند در آیات زیادی از قرآن مردم را با رعایت اعتدال به

خداوند در آیه ۴۳ سوره نساء (۴) برای غسل کردن و وضو گرفتن در شرایطی که افراد در محظوریت باشند و یا آب در دسترس نباشد نوعی تسهیل و تخفیف قائل شده که آنها به راحتی بتوانند با نزدیکترین چیزی که در دسترس دارند (خاک) تیمم کنند و به اعمال دینی خود بپردازند و یا در آیات ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره بقره (۲) مشاهده می‌شود که در باب احکام روزه برای افراد مسافر و بیماران و سالخورده‌گان که انجام وظیفه برایشان مشقت به همراه دارد تعدیل صورت گرفته و وظیفه آسان‌تری برای آنها قرار داده شده است: «یریدالله بکم الیسر و لایرید بکم العسر». خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و نمی‌خواهد بر شما سخت‌گیری کند. همانطور که روزه برای افراد سالم یک دستور الهی است، افطار هم برای بیماران و ناتوانان و مسافران یک فرمان الهی است و مخالفت با آن گناه محسوب می‌شود و در مورد سایر احکام هم چنین است، از جمله:

در خصوص فریضه مهم نماز در شرایط خاص مانند مسافرت، هنگام خطر و در حال جهاد احکامی وجود دارد که بنا به موقعیت تعدیل‌هایی انجام گرفته تا افراد دچار مشقت نشوند (اشاره به بقره، ۲۳۹ و نساء، ۱۰۱-۱۰۲).

شرکت در جهاد برای کسانی که مشکل یا عذر خاصی دارند استثناء شده است: «لیس علی الاعمی حرج و لا علی الاعرج حرج و لا علی المریض حرج» (فتح، ۱۷) بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست (که در جهاد شرکت نکنند).

در انجام اعمال و مناسک حج امور واجبی قرار داده شده است که در موارد ضرور مانند بیماری انعطاف وجود دارد. برای مثال در مورد ذبح قربانی و یا تراشیدن مو در غیر موعد مقرر لازم است فدیة داده شود که آن هم متناسب با توانایی فرد است. ده روز روزه گرفتن، (بقره، ۱۹۶) یا اطعام شش نفر فقیر و یا سر بریدن یک گوسفند و... (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۱۱).

حتی در مورد کفارة انجام برخی امور نهی شده (مانند شکار کردن در حال احرام) احکام به گونه‌ای منعطف و معتدل بیان شده‌اند که افراد با حداقل مشقت قادر هستند آن را به جای آورند (اشاره به مائده، ۹۵). برای مثال قرآن اطعام ده نفر فقیر یا پوشاندن لباس بر ده نفر و یا آزاد کردن یک برده را کفاره شکستن

فوق‌العاده‌ای - که خداوند به او عطا کرده بود - در غیر موردش یعنی در راه اغوا و گمراهی دیگران صرف کرد و همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بود.

«ولاتبذّر تبذیرا. انّ المبدّرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لرتبه کفورا». (اسراء، ۲۶-۲۷) و ولخرجی و اسراف مکن. چرا که اسراف‌کاران برادران شیطان‌هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

### اعتدال و احکام

در آیات متعددی از قرآن می‌خوانیم که؛ خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند: «لا یكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره، ۲۸۶) (و نیز رجوع کنید به انعام، ۱۵۲ و اعراف، ۴۲ و مؤمنون، ۶۲ و طلاق، ۷) و خداوند هرگز نمی‌خواهد تکلیف طاقت‌فرسایی بر دوش بندگان قرار دهد: «ما یریدالله لیجعل علیکم من حرج» (مائده، ۶) «خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد» آنچه که از مفاد آیات فوق برمی‌آید این است که تمام وظایف و تکالیفی که در قالب احکام و دستورات خداوند برای بندگان مقرر شده همه به اندازه توان و قدرت افراد می‌باشد و جنبه اعتدال در آنها رعایت شده است و خداوند هیچ‌گاه فراتر از آن از بندگان نمی‌خواهد و تمام احکام نیز با این آیات تفسیر و تقیید می‌شود. همچنانکه در ذیل بسیاری از احکام از جمله غسل، وضو، تیمم و مانند آنها به این مسئله اشاره شده است که احکام الهی در هیچ مورد به صورت تکلیف شاق و طاقت‌فرسا نیست. بنابراین اگر مشاهده شود که پاره‌ای از تکالیف در مورد برخی از افراد صورت مشقت‌باری به خود بگیرد و غیرقابل تحمل شود آن حکم در مورد آنها استثناء می‌گردد و تعدیل می‌شود.

در آیه ۳۸ سوره احزاب (۳۳) در مورد پیامبر اکرم (ص) نیز می‌خوانیم که: «ما کان علی النبی من حرج فیما فرض الله له سته الله فی الدّین خلوا من قبل و کان امرالله قدراً مقدوراً». «بر پیامبر در آنچه خدا برای او فرض گردانیده گناهی نیست. (این) سنت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان (معمول) بوده، و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر (و متناسب با توانایی) است.» بنابراین احکام و فرمان‌های خداوند در مورد شخص پیامبر (ص) همواره به اندازه و متناسب با توانایی او در نظر گرفته شده است.

به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن (زن دیگر) را سرگشته (بلا تکلیف) رها کنید.

در خصوص رعایت عدالت میان همسران نقل شده که پیامبر (ص) حتی در همان اواخر عمر که کسالت داشتند عدالت را در میان همسران خود مراعات می کردند و بستر بیماری او را هر شب به اتافی که مربوط به آن همسر بود انتقال می دادند و نیز آمده است که حضرت علی (ع) در مدتی که دو زن داشت حتی اگر می خواست وضو بگیرد در خانه زنی که نوبت او نبود وضو نمی گرفت (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۱۷).

در ادامه بحث به آیات دیگری از قرآن برخورد می کنیم که به رعایت اعتدال در امور خانواده از جمله تأمین مایحتاج زندگی و حقوق فرزندان تأکید شده و در این خصوص خارج از توان پدر و مادر تکلیفی قرار داده نشده است.

«و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها لاتضار والده بولدها و لا مولود له بولده» (بقره، ۲۳۳).  
خوراک و پوشاک آنان (= مادران) به طور شایسته به عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی شود. هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری (نیز) نباید به خاطر فرزندش (ضرر ببیند).

به عبارت دیگر رزق و کسوت که هزینه زندگی و پوشاک است باید، به طور متعادل و متعارف بر حسب حال زن و شوهر باشد. یعنی اموری مانند پرستاری و شیردادن به فرزند مانند آنها که به عهده زن است نباید موجب زحمت و زیان وی شود و مرد نیز در تأمین وسایل زندگی خانواده نباید به زحمت و مشقت افتد.

«والولدت یرضعن اولدهن حولین کاملین... فان ارادا فصلاً عن تراض سنهما و تشاور فلا جناح علیهما» (بقره، ۲۳۳). «و مادران (باید) فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. پس اگر (پدر و مادر) بخواهند با رضایت و صواب دید یکدیگر، کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست.»

#### اعتدال و اقتصاد

نظام اقتصادی اسلام - چه فردی و چه اجتماعی - بر پایه اعتدال بنا شده است، یعنی به گونه ای برنامه ریزی شده که حق

سوگند در نظر گرفته است و باز چنانچه کسانی باشند که قدرت بر هیچ یک از اینها را نداشته باشند، به سه روز روزه گرفتن دستور می فرماید: «فمن لم یجد فصیام ثلاثه ایام» (مائده، ۸۹).

#### اعتدال و خانواده

یکی از بارزترین آیاتی که در قرآن کریم به مسئله خانواده و همسررداری پرداخته است، آیه ۳ سوره نسا (۴) می باشد. در این آیه اصل عدل و اعتدال از همان ابتدا مورد تأکید قرار گرفته تا نشان دهد که در اسلام رعایت این اصل در سرلوحه تمام امور و مسائل قرار دارد.

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتیمی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و ربیع. «و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان (دیگر) که شما را پسند افتد، دو دو، سه سه، چهار چهار به زنی گیرید.»

در ادامه این آیه در خصوص اختیار کردن همسران متعدد بار دیگر بحث اعتدال را پیش می کشد و رعایت عدل را شرط اولیه برای این کار (یعنی تعدد زوجات) معرفی می کند و می فرماید: اگر می ترسید که نتوانید میان همسران به عدالت رفتار کنید پس به یک همسر اکتفا کنید تا از ظلم و ستم بر دیگران برکنار باشید: «فان خفتم الا تعدلوا فواحده او ما ملکتم ایمنکم ذلک ادنی الا تعولوا» «پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک (زن) یا به آنچه (از کنیزان) مالک شده اید اکتفا کنید. این (خودداری) نزدیک تر است تا به ستم گرایید.»

رعایت اعتدال در این زمینه مربوط می شود به رعایت تمام حقوقی که هر همسری در امور زندگی باید از آن برخوردار باشد از قبیل: هم خوابگی، تأمین وسایل رفاه و آسایش و حتی اعتدال در تمایلات عاطفی و قلبی که باز در قرآن صریحاً به آن اشاره و تأکید شده که اگر نمی توانید مساوات کامل را میان همسران خود رعایت کنید، حداقل تمام تمایل قلبی خود را متوجه یکی از آنها نسازید که دیگری به صورت بلا تکلیف درآید و حقوقش ضایع شود.

«و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم فلا تمیلوا کلّ المیل فتذروها کالمعلقه» (نساء، ۱۲۹) و شما هرگز نمی توانید میان زنان عدالت کنید هر چند (بر عدالت) حریص باشید، پس

کسی از بین نرود و هر صاحب حقی به تناسب کار یا نیازش بتواند زندگی راحتی داشته باشد.

یکی از جنبه‌های اقتصاد مربوط به مخارج زندگی است که اسلام در این زمینه هم همچون سایر موارد راه میانه را پیشنهاد می‌کند. چنانکه خداوند در ستایش بندگان شایسته خود می‌فرماید: «والَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷) «آنانکه در انفاق نه مرتکب اسراف می‌شوند و نه تنگ‌نظری و بخل نشان می‌دهند؛ بلکه راه میانه‌ای را برای بخشش خود در نظر می‌گیرند» و در آیه ۲۱۹ سوره اسراء (۱۷) خداوند به پیامبر (ص) سفارش می‌کند که در انفاق کردن دستت را بر گردنت زنجیر مکن یعنی بخل نوز و از سوی دیگر بسیار هم گشاده‌دستی منما و هرچه را داری انفاق مکن که ممکن است پس از چندی نیازمند شوی و وضع زندگی‌ات به هم بریزد: «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا».

در تفسیر آیه ۱۹۵ سوره بقره (۲) از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: اگر شخصی تمام مالش را در راه خدا انفاق کند کار خوبی انجام نداده است؛ چرا که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و باید در انفاق حد اعتدال و اقتصاد را مراعات کند؛ زیرا اسراف و تضييع معاش موجب هلاکت می‌شود (بروجردی، ۱۳۴۱، ج ۱: ۳۰۸).

در همین زمینه در آیه ۲۱۹ سوره بقره (۲) آمده است: «و يسئلونك ماذا ينفقون قل العفو» «و از تو می‌پرسند: چه چیزی انفاق کنند؟ بگو مازاد (بر نیازمندی خود) را». در انفاق باید رعایت عفو شود. عفو در لغت معانی متعددی دارد: وسط و میانه هر چیز، مقدار اضافه چیزی؛ بهترین قسمت مال (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۷۳) که در اینجا دو معنای اول تناسب بیشتری را با مفهوم آیه نشان می‌دهد؛ یعنی در انفاق حد وسط را رعایت کنید و یا از مازاد نیازمندی‌های خود انفاق کنید و با زیاده‌روی در انفاق وضعیت اقتصادی و معیشتی خود را مختل نکنید.

از سوی دیگر در زمینه بخش اقتصاد اجتماعی دستوراتی را در کتاب آسمانی خود مشاهده می‌کنیم که همگی در تأیید این موضوع است که استقرار یک نظام سالم اقتصادی در جامعه در

گرو رعایت اصل عدل و اعتدال در مسائل اقتصادی و در نتیجه برقراری عدالت اجتماعی است.

یکی از مواردی که به دفعات در قرآن بدان اشاره شده است، بحث معامله و دادوستد در جامعه است که به افراد هشدار داده شده مراقب باشند در ضمن معامله و داد و ستد عدالت رعایت شود تا به خریداران ضرر و خسارت وارد نگردد؛ زیرا این امر سبب اختلاف و اختلال نظم داد و ستد و عدم اعتماد اعضای جامعه به یکدیگر می‌شود و ریشه فساد و اختلال در نظم اقتصادی جامعه را بی‌ریزی می‌کند و چنانچه این خیانت شیوع یابد به انقراض جامعه منتهی خواهد شد.

«وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» (شعراء، ۱۸۱-۱۸۳) پیمانانه را تمام دهید و از کم‌فروشان نباشید و با ترازوی درست بسنجید و از ارزش اموال مردم نگاهید و در زمین سر به فساد برمدارید.

و در آیه ۳۵ سوره اسراء (۱۷) مجدداً به رعایت عدالت در معامله سفارش شده است: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلَّمْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. و چون پیمانانه می‌کنید، پیمانانه را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش‌فرجام‌تر است».

در آیات ۷ تا ۹ سوره الرحمن (۵۵) نیز می‌خوانیم: «و وضع المیزان الآ تظنوا فی المیزان و اقیموا الوزن بالقسط و لا تخسروا المیزان». و (خداوند) ترازو را گذاشت تا مبادا از اندازه در گذرید و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهدید».

و قرآن به شدت افرادی را که عامل اختلال در امر برقراری تعادل نظام اقتصادی جامعه هستند مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهد، کسانی که در این راه، عدل و انصاف را زیر پا می‌گذارند و از دادن حق دیگران سرباز می‌زنند. همچنان که در آیات ۳ تا ۳ سوره مطففین می‌خوانیم: «وَبِئْسَ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، و اذا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» وای بر کم‌فروشان، که چون از مردم پیمانانه ستانند تمام ستانند، و چون برای آنان پیمانانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. مفاد تمام آیات فوق و نیز آیات دیگری از این دست، در راستای برپا داشتن یک نظام عادلانه در امر معامله و مبادله کالا است که یکی از زیربنایی‌ترین بنیان‌های نظام اقتصادی جامعه به‌شمار

می‌رود. بی‌شک اگر مبادلات و توزیع کالا عادلانه انجام گیرد، بخش عظیمی از تکاثرها و تراکم‌های ثروت و تجاوز به حقوق محرومان جامعه از بین می‌رود.

البته درباره سایر اموری که به مسائل اقتصادی مربوط می‌شوند از جمله: خمس، زکات، نفقات و غیره که برای توزیع عادلانه ثروت‌ها و مواهب الهی در میان اقشار مختلف جامعه قرار داده شده‌اند. مباحث فراوانی را می‌توان در قرآن سراغ گرفت که همه آنها به اصل مهم عدل و اعتدال نظر دارند:

«و یمنعون الماعون» (ماعون،) و (وای بر کسانی که) از (دادن) زکات خودداری می‌ورزند.

«ویل للمشرکین، الذین لایؤتون الزکوة» (فصلت، ۶-۷) وای بر مشرکان، همان کسانی که زکات نمی‌دهند.

«انما الصدقات للفقراء والمساکین» (توبه، ۶۰) صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و... اختصاص دارد.

«وانفقوا فی سبیل الله» (بقره، ۱۹۵) و در راه خدا انفاق کنید.

## اعتدال و حقوق

مسئله عدل و اعتدال در حقوق اجتماعی از جمله قوانین مهم اسلامی است و زیر بنای جامعه سالم انسانی به حساب می‌آید که بدون اجرای آن جامعه سامان نمی‌یابد و با هرج و مرج روبرو می‌شود؛ زیرا همواره در اجتماعات بشری مسائل و مشکلاتی وجود دارد که باید به صورت عادلانه حل و فصل شود تا هرگونه تبعیض و امتیاز نابجا و ظلم و ستم از جامعه برچیده شود. به طوری که در بسیاری از آیات قرآن کریم به حفظ حقوق و مساوی بودن تمام مردم در برابر قانون و نفی تبعیض و استثمار و ظلم فرمان داده شده است و مهم‌تر اینکه استقرار نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین به عنوان یکی از اهداف انبیا برشمرده شده است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید/۲۵) پراستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

در جایی دیگر خطاب به پیامبر آمده است: «و امرت لاعدل بینکم» (شوری، ۱۵) (بگو) من مأمور شدم که میان شما عدالت کنم». همچنانکه دعوت انسان‌ها به برپایی عدالت نیز تأکید

دیگری بر این موضوع به حساب می‌آید: «یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء الله» (نساء، ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید.

بحث قضاوت و داوری از عمده‌ترین موضوعاتی است که در زمینه اجرای عدالت و رعایت حقوق اجتماعی افراد از جنبه‌های گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است.

«و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» (نساء، ۵۸) «و

چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید».

رعایت اعتدال در قضاوت آن‌چنان با اهمیت است که علاوه بر قرآن در منابع دیگر از جمله احادیث نیز تأکیدهای فراوانی در این زمینه به چشم می‌خورد. برای مثال پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) می‌فرماید: هنگامی که طرفین دعوا نزد تو برای قضاوت می‌آیند حتی در نگاه کردن به آن دو و مقدار و چگونگی سخنانی که به آنها می‌گویی مساوات و عدالت را رعایت کن (بلاغی، ۱۳۵۸: ۱۱۱).

همچنانکه خداوند در قرآن حتی در مورد داوری میان افراد غیرمسلمان رعایت عدالت را به پیامبر گوشزد می‌کند: «و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط» (مائده، ۴۲) و یا در اجرای عدالت و برای جلوگیری از ظلم و ستم متجاوزین، جنگ و پیکار را پیشنهاد می‌کند (اشاره به حجرات، ۹).

شهادت دادن در محضر قاضی نکته دیگری است که رعایت عدالت در آن سفارش شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد» (نساء، ۱۳۵).

در این آیه یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت «در همه موارد بدون استثنا» ذکر می‌کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد، فقط به خاطر خدا شهادت به حق دهند. به عبارت دیگر مؤمن واقعی کسی است که در برابر حق و عدالت، هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نداشته باشد و حتی منافع خویش و بستگان خویش را به خاطر اجرای آن نادیده بگیرد.

در این خصوص در آیه ۸ سوره مائده (۵) می‌خوانیم: «یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقویة». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید (و) به عدالت شهادت دهید،



است. (نساء، ۷، ۱۲) اسلام برخلاف برخی ادیان که ارث را فقط متعلق به نسب می‌دانند، حقوق همسر و فرزندان را نیز محفوظ می‌داند و تبعیضات ظالمانه‌ای را که در میان زن و مرد از یک سو و کودک و بزرگسال از سوی دیگر قائل بودند از بین می‌برد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۲۸۷).

#### اعتدال و معاد

هدف بعثت و موعود نهایی ادیان، گسترش و حاکمیت عدل است و جهان آخرت برای برپایی عدالت تام و تمام بنیان نهاده شده است، آنچه را که ظرف دنیا گنجایش آن را ندارد. بنابراین معاد از جمله مصادیق و جلوه‌های عظیم عدل الهی به حساب می‌آید که در قرآن به کرات از آن یاد شده و عدالت خداوند در روز جزا و حسابرسی عادلانه اعمال بندگان را خاطر نشان ساخته است.

«الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم الیوم». (غافر، ۱۷) امروز هر کسی به (موجب) آنچه انجام داده است کیفر می‌یابد، امروز ستمی نیست. «والله یقضی بالحق» (غافر، ۲۰) «و خداست که به حق داوری می‌کند».

وقتی مجموعه این عالم به دست توانای نیروی لایزال حق تعالی بر محور اعتدال پایه‌ریزی شده و بر مبنای هدف معینی که عبارت از رسیدن هر موجود به کمال مطلوب خود اوست، به گردش در آمده و به راه راست واداشته شده است، وجود عالم دیگر را ایجاب می‌کند که در آن عدالت در حد منتهای اعلا متبلور شود.

روزی که بندگان برای حسابرسی اعمالشان در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند مفهوم عدالت را با تمام وجود احساس می‌کنند: «و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون» (زمر، ۶۹) و میان آنها به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند و هریک به تناسب خوبی و بدی کردارهایشان، سزای اعمال خود را دریافت خواهند نمود: «و لتجزی کل نفس بما کسبت» (جاثیه، ۲۲) و تا هر کسی (به موجب) آنچه به دست آورده پاداش یابد. هر چند عمل آنها ناچیز باشد: «فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره» (زلزله، ۷-۸) پس هر کس هموزن ذره‌ای نیکی کند (نتیجه) آن را خواهد دید و هر کس هموزن ذره‌ای بدی کند

و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است».

این آیه نیز مانند آیه ۱۳۵ سوره نساء (۴) دعوت به عدالت می‌کند، و به یکی از عوامل انحراف از عدالت اشاره کرده، به مسلمانان هشدار می‌دهد که نباید کینه‌ها و عداوت‌های قومی و تسویه حساب‌های شخصی مانع از اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران شود. اما تفاوت این آیه با آیه ۱۳۵ سوره نساء در این است که در سوره نساء و نیز در آیه ۱۵۲ سوره انعام (۶) به یکی از عوامل انحراف از عدالت، یعنی حب افراطی بی‌دلیل، و در اینجا بغض افراطی بی‌دلیل اشاره شده است که هر دو علت عدول از جاده مستقیم حق به‌شمار می‌روند.

قصاص از دیگر قوانینی است که در اسلام به عنوان ضامن عدالت اجتماعی از آن یاد می‌شود که در قرآن به اجرای عادلانه آن تأکید شده است. قانون قصاص اسلامی بسیار عادلانه است؛ زیرا نه همچون یهودیان تنها تکیه بر قصاص می‌کند و نه مانند مسیحیت کنونی فقط راه عفو یا دیه را به پیروان خود اعلام می‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۴۲) بلکه با توجه به نتایج و عواقب منفی که قصاص یا دیه به تنهایی، ممکن است به دنبال داشته باشند حکم قصاص را در کنار حکم عفو و خون‌بها مطرح کرده و اختیار را به اولیاء مقتول داده است (اسراء، ۳۳).

آیه ۱۷۸ سوره بقره (۲) در همین زمینه نازل شده و در مقام تعدیل زیاده‌روی‌هایی است که در جاهلیت انجام می‌گرفته است. این آیه مؤمنان را مخاطب قرار داده می‌فرماید: در مورد قتل‌های عمدی و خون‌های ناحق، شما حق دارید قاتل را در برابر مقتول بکشید و در این عمل رعایت اعتدال و مساوات را بکنید.

همچنین در آیه ۴۵ سوره مائده (۵) می‌خوانیم که اگر کسی عمداً بی‌گناهی را به قتل برساند، اولیاء مقتول می‌توانند قاتل را در مقابل اعدام کنند و در مقابل آسیب دیدن هر عضوی از بدن، قصاص کنند. بنابراین حکم قصاص نیز همانند سایر قوانین الهی به طور عادلانه و بدون هیچگونه تفاوت از نظر نژاد، طبقه اجتماعی، طایفه و شخصیت اجرا می‌شود.

از مصادیق دیگر قوانین عادلانه در اسلام مسئله ارث است که در این زمینه آیاتی از قرآن به ضرورت رعایت عدالت در آن از جمله رعایت سهمیه افراد اعم از همسر و فرزندان توجه کرده

(نتیجه) آن را خواهد دید.

بنابراین مؤمنان و کافران، نیکوکاران و بدکاران نزد خدا یکسان نخواهند بود:

«ما یستوی الاعمی و البصیر والذین امنوا و عملوا الصالحات و لامسیء» (غافر، ۵۸) و نابینا و بینا یکسان نیستند، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند (نیز) با (مردم) بدکار (یکسان) نیستند.»

«من عمل سیئه فلا یجزی الا مثلها و من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنه» (غافر، ۴۰) هر کس بدی کند، جز به مانند آن کیفر نمی‌یابد و هر کس کار شایسته کند - چه مرد باشد و چه زن - درحالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند.

نکته قابل توجه اینکه، آیه فوق همانند آیات دیگری از قرآن، (اشاره به ال عمران، ۱۹۵) زن و مرد را در پیشگاه خدا و در وصول به مقامات معنوی در شرایط مشابه یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و به دنبال آن پاره‌ای از تفاوت‌ها در مسئولیت‌های اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر کسب تکامل انسانی نمی‌شمارد؛ بلکه هر دو را از این نظر کاملاً در یک سطح قرار می‌دهد که شخصیت انسانی و ارزش وجودی هر شخص محفوظ است چه زن باشد چه مرد:

«من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ماکانوا یعملون» (نحل، ۹۷) هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

#### نتیجه‌گیری

همچنان که در آیات بی‌شمار از کلام الهی مستفاد می‌شود اسلام مکتب عدل و اعتدال و امت اسلامی امت میانه و معتدل است. نظام آن عادلانه و بر محور میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط است. همان‌طور که برای سلامتی بدن انسان برنامه می‌دهد، به رشد معنوی وی نیز توجه دارد؛ اگر تولی و دوستی اولیاء خدا را مطرح می‌کند، تبری و دوری از دشمنان هم دارد؛

با اینکه در اجرای حدود الهی فرمان به قاطعیت می‌دهد، عفو و گذشت را نیز در دستور کار خود قرار می‌دهد؛ ایمان و عمل صالح را در کنار هم لازم می‌داند؛ علم و عمل را مکمل یکدیگر قلمداد می‌کند و خلاصه اینکه اعتدال و میانه‌بودن اصلی است که بر تمام تعلیمات و برنامه‌های اسلام حکمفرماست، از مبانی اعتقادی و عبادی گرفته تا اعتدال در شیوه‌های اخلاق و رفتار و بالاخره اعتدال در همه برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... و همه اینها مقدمه و وسیله رسیدن به مرتبه‌ای والاتر یعنی استقرار عدالت در سراسر وجود انسان است. ایجاد عدالت در وجود انسان، یعنی ساختن انسانی که عقل، نفس، ظاهر، باطن، عقاید و اخلاقش بر صراط مستقیم و حد اعتدال باشد و این است عدالت موعود اسلام که به خواست خداوند به دست حضرت ولی عصر (عج) به طور کامل برپا می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۰). «یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۳۵) «زمین را پر از عدل می‌کند بعد از آنکه از جور و ظلم پر شده است».

#### منابع:

- بروجردی، سیدابراهیم، (۱۳۴۱). تفسیر جامع. تهران: صدر.
- بلاغی، سیدصدرالدین. (۱۳۵۸). عدالت و قضاء در اسلام. تهران: امیرکبیر.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۴). تفسیر اثنی عشری. تهران: میقات.
- حسینی‌الهمدانی، سیدمحمد. (۱۳۸۰ق). تفسیر انوار درخشان. تهران: لطفی.
- شریعتی، محمدتقی. (بی تا). تفسیر نوین. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی‌الفضل. (۱۳۶۰). تفسیر مجمع‌البیان. ترجمه احمد بهشتی و دیگران. تهران: فراهانی.
- فولادوند، محمد مهدی. (۱۳۷۸). قرآن کریم. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۸). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا.
- معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. (۱۳۷۸). عدل الهی از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی.